

Original Article

The Prediction of Marital Instability based on the Dark Triad of Personality and Couples' Communication Patterns in Married PeopleAli Ghasemi^{1✉}, Ali Zadehmohammadi²

1. Master's degree in Family Therapy, Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Psychology, Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Received: 8.11.2023

Revised: 7.532024

Accepted: 17.5.2024

DOI: [10.48308/jfr.20.1.63](https://doi.org/10.48308/jfr.20.1.63)

Abstract: The purpose of this research is to determine the predictive role of the dark Triad of personality traits and couples' communication patterns in marriage instability. This study is of correlational type and the statistical population was couples living in Tehran and Karaj cities. 246 people were selected by available sampling method, and the Marital Instability Index (MII), short form of the dark triad scale (SD3) and communication patterns questionnaire (CPQ) were administered. The data were analyzed using the stepwise multiple regression method. The findings showed that the variable of marriage instability has a negative and significant relationship with narcissistic personality traits and a positive and significant relationship with antisocial personality traits and has no significant relationship between marital instability and Machiavellian personality traits. Similarly, the variable of marriage instability shows a negative and significant relationship with the variable of mutual constructive communication and with other variables of withdrawal/demand, demanding man/withdrawn woman, demanding woman/withdrawn man and mutual avoidance, and a positive and significant relationship with other variables of communication patterns. Also, the three variables of constructive communication, mutual avoidance and demanding woman/withdrawn man predict the instability of marriage. In addition, there is a negative and significant relationship between the duration of marriage and the instability of marriage. From this research, it can be concluded that considering the role of communication patterns in marriage instability, marriage instability can be reduced by teaching them to couples.

Keywords: Marital Instability, Dark Traits of Personality, Couples' Communication Patterns.

How to cite: Ghasemi Sheikh Tabaghi, A., & Zadehmohammadi, A. (2024). The prediction of marital instability based on the dark triad of personality and couples' communication patterns in married people. *Journal of Family Research*. P.63-82. DOI: [10.48308/jfr.20.1.63](https://doi.org/10.48308/jfr.20.1.63)

✉Corresponding Author: aghasemi.psy@gmail.com



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the creative commons attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقاله پژوهشی

پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج براساس صفات تاریک شخصیت و الگوهای ارتباطی
زوجین در افراد متأهلعلی قاسمی شیخ طبقی^۱، علی زاده‌محمدی^۲

۱. کارشناسی ارشد خانواده‌درمانی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۲۸

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۱۷

DOI: [10.48308/jfr.20.1.63](https://doi.org/10.48308/jfr.20.1.63)

چکیده: هدف از این پژوهش، تعیین نقش پیش‌بینی‌کنندگی صفات تاریک شخصیت و الگوهای ارتباطی زوجین، در بی‌ثباتی ازدواج در افراد متأهل بوده است. مطالعه حاضر از نوع همبستگی است و جامعه آماری آن زوجین ساکن شهرهای تهران و کرج بودند. به این صورت که ۲۴۶ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های شاخص بی‌ثباتی ازدواج (MII)، فرم کوتاه مقیاس سه‌گانه تاریک (SD3) و پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی (CPQ) را تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از روش رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که متغیر بی‌ثباتی ازدواج به ترتیب با صفات شخصیت خودشیفته رابطه منفی و معنادار و با صفات شخصیت جامعه‌ستیز رابطه مثبت و معنادار دارد و با صفات شخصیت ماکیاولیستی ارتباط معناداری ندارد. به همین ترتیب، متغیر بی‌ثباتی ازدواج با متغیر ارتباط سازنده متقابل رابطه منفی و معنادار و با سایر متغیرهای کناره‌گیری/توقع، مرد متوقع/زن کناره‌گیر، زن متوقع/مرد کناره‌گیر و اجتناب متقابل رابطه مثبت و معناداری را نشان می‌دهد. علاوه بر این، رابطه منفی و معناداری بین مدت طول ازدواج و بی‌ثباتی ازدواج وجود دارد. همچنین سه متغیر ارتباط سازنده، اجتناب متقابل و زن متوقع/مرد کناره‌گیر، بی‌ثباتی ازدواج را پیش‌بینی می‌نمایند. از این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به نقش الگوهای ارتباطی در بی‌ثباتی ازدواج می‌توان با آموزش آن‌ها به زوجین، بی‌ثباتی ازدواج را کاهش داد.

کلیدواژه‌ها: بی‌ثباتی ازدواج، صفات تاریک شخصیت، الگوهای ارتباطی زوجین.

استناد به این مقاله: قاسمی شیخ طبقی، ع. و زاده‌محمدی، ع. (۱۴۰۳). پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج براساس صفات تاریک شخصیت و الگوهای ارتباطی زوجین در افراد متأهل. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۲۰(۱)، ۸۲-۶۳. DOI: [10.48308/jfr.20.1.63](https://doi.org/10.48308/jfr.20.1.63)

✉ نویسنده مسئول: aghasemi.psy@gmail.com

مقدمه

بی‌ثباتی ازدواج در اکثر کشورها به یک نگرانی تبدیل شده است. این پدیده بعد از گذشت مدتی از متأهل شدن و با پیدا کردن دلایلی مبنی بر عدم موفقیت و لذت‌بخش نبودن ازدواج، رخ می‌دهد (ریحانی، سلیمانیان و نظیفی، ۱۳۹۵). برای بررسی ثبات ازدواج از مفهومی ضد آن، یعنی بی‌ثباتی ازدواج، استفاده می‌کنیم که همراه مفاهیمی مانند ازهم‌پاشیدگی زناشویی، قطع روابط زناشویی، طلاق، کیفیت زناشویی پایین و ترک ازدواج، استفاده شده است (براون، سانچز، ناک و رایت^۱، ۲۰۰۶). بی‌ثباتی ازدواج از عوامل درون‌فردی و بین‌فردی متعددی نشئت می‌گیرد. عوامل بسیاری در سوق دادن فرد یا زوج به سمت طلاق مؤثرند که می‌توان به‌طور کل، به عوامل اجتماعی، رفتاری، جنسی، خانوادگی، مذهبی و مالی (مکایور و دیمپیا^۲، ۲۰۱۲) و به‌طور خاص به عواملی نظیر پایین بودن رضایت زناشویی و جنسی، تعارض‌های مکرر (جکسون، ۲۰۱۴)، پایین بودن عزت‌نفس (تانگ، جیا، لی، هی، ژو، لان و فنگ^۳، ۲۰۲۱)، سطح تحصیلات (حداقل متوسطه) و شاغل بودن زنان (حسین و آدین^۴، ۲۰۱۳) اشاره کرد.

با این حال، مطالعات نشان می‌دهند که صفات شخصیت نقش کلیدی در ثبات زندگی زناشویی دارند (هی، ونگ، زینگ، یو^۴، ۲۰۱۸). برخی از ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی، تنش‌ها و تعارضات را بین زوجین افزایش می‌دهد و تداوم زندگی زناشویی را مورد تهدید قرار می‌دهد؛ به‌عنوان مثال، روان‌رنجوری، وظیفه‌شناس نبودن، حساسیت‌های بین‌فردی، سطوح بالای خودشیفتگی، پارانوئید بودن، افسردگی، اضطراب و وسواس از جمله ویژگی‌های ناسالمی است که احتمال طلاق را افزایش می‌دهد (بورمن و مارگالین^۵، ۱۹۹۲؛ ویسمن^۶، ۲۰۰۷؛ لمنز، بویسه، هین و آیسلر^۷، ۲۰۰۴؛ سولومون و جکسون، ۲۰۱۴). از مهم‌ترین صفاتی که در روابط زوجین چندان در تحقیقات مورد بررسی قرار نگرفته‌اند، صفات تاریک شخصیت هستند. در سال‌های اخیر نسبت به صفات شخصیتی سه‌گانه تاریک توجه فراوانی شده است (آقابابایی و بانچینو^۸، ۲۰۱۵). صفات تاریک شخصیت در نارضایتی زناشویی و بی‌ثباتی ازدواج نقش بسزایی دارند. مطرح شدن صفات سه‌گانه تاریک منجر به ایجاد چهارچوب مناسبی از صفات شخصیتی شده است؛ به‌طوری که تمام ابعاد شخصیتی بهنجار و نابهنجار می‌توانند در قالب یک مدل شخصیتی ارائه گردند. صفات سه‌گانه تاریک شخصیت سازه‌ای است که توصیف‌کننده مجموعه‌ای از صفات شخصیتی نامطلوب اجتماعی شامل خودشیفتگی، ماکیاولیسم و جامعه‌ستیزی است (پالوس و ویلیامز^۹، ۲۰۰۳). مجموعه‌ای از سه صفت شخصیت که متمایز از هم هستند، ولی ویژگی‌های مشترکی هم دارند که هسته اصلی هر سه، سنگ‌دلی و بی‌عاطفه بودن است. این مجموعه صفات به متغیرهایی اشاره دارد که در طیف آستانه تشخیصی^{۱۰} هستند که نیاز به توجه بالینی ندارند. قاسم‌زاده، علی‌لو، بخشی‌پور و بیرامی (۱۴۰۲) در مطالعه‌ای نشان دادند که صفات تاریک شخصیت نقش میانجی در رابطه با سیستم‌های مغزی رفتاری بر اختلالات شخصیتی دارند.

خودشیفتگی به‌صورت حس خوداستحقاقی، تسلط و خودبزرگ‌بینی، تمرکز بر خود، فقدان همدلی و نیاز به تحسین مشخص می‌شود (کارلسون، وزیر و اوتمنس^{۱۱}، ۲۰۱۱). خودشیفتگی به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی، به‌طور معمول با عزت‌نفس تورم‌یافته، خودمحوری، حس بی‌همتایی، قدرت و اقتدار مشخص است (فاستر و کمپل^{۱۲}، ۲۰۰۷). افرادی که نمره بالایی در خودشیفتگی دارند، نیاز اساسی و پایداری برای توجه و تحسین دارند و تمایل دارند تا دستاوردهایشان را بزرگ‌نمایی کرده و دیدگاه متعصبانه‌ای نسبت به توانایی خود داشته

باشند (کارلسون و همکاران، ۲۰۱۱). و این افراد از روابط اجتماعی به‌عنوان وسیله‌ای برای نشان دادن خود استفاده می‌کنند (بوفاردی و کمپل^{۱۳}، ۲۰۰۸). مطالعات جدید نشان داده است که خودشیفتگی از سایر صفات تاریک شخصیت از جهت اینکه با بهزیستی رابطه مثبت دارد، متفاوت است و همچنین می‌تواند اثرات منفی سایر صفات بر روی بهزیستی را بهبود بخشد (گرونینگن، گراویچ، لاونین، پالم^{۱۴}، ۲۰۲۱).

افراد با ویژگی ماکیاولیسم در روابط بین‌فردی، فریب‌کار، شرور و برون‌ریز هستند (مک‌هاسکی^{۱۵}، ۲۰۰۱). این افراد دارای ویژگی‌هایی همچون سودجویی اجتماعی و فرصت‌طلبی هستند که این ویژگی‌ها باعث شکست آن‌ها در روابط بین‌فردی و ازدواج می‌شود و همچنین همدلی عاطفی در آن‌ها پایین است (بلوتنر، استینمایر و برگولد^{۱۶}، ۲۰۲۱). سومین صفت شخصیتی تاریک، جامعه‌ستیزی با ویژگی‌های شرارت، فقدان همدلی، رفتارهای بی‌قید و اجباری (هیر^{۱۷}، ۲۰۰۳) و الگوهای بین‌فردی استنمارگانه جنسی و فریب‌کارانه (پالپوس و ویلیامز، ۲۰۰۲) همراه است. جامعه‌ستیزها تعداد بالایی از شرکای جنسی، میزان بالای شکست در روابط و روابط جنسی زودرس دارند (ویسر، پوزبون، بوگارت و آشتون^{۱۸}، ۲۰۱۰). ماکیاولیسم و جامعه‌ستیزی تقریباً نزدیکی بالایی به وضعیت اصلی‌شان در مثلث تاریک شخصیت دارند (تراهیر، باران، فلاکوس، مارسین و رادوسلاو^{۱۹}، ۲۰۲۰). صفات شخصیتی از جمله عوامل مربوط به خود فرد محسوب می‌شوند، ولی برای اینکه عوامل بین‌فردی هم در پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج سنجیده شوند، الگوهای ارتباطی زوجین نیز در این پژوهش در نظر گرفته شدند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که الگوهای ارتباط و حل مسئله ضعیف، می‌تواند باعث ایجاد تعارض زناشویی شود. بنابراین این الگوها را می‌توان به‌عنوان معیار معتبری برای تشخیص زوج‌های خوشبخت و ناراضی تعیین کرد (بلانچارد^{۲۰}، ۲۰۰۸). الگوی ارتباطی زوج‌ها کانال‌های ارتباطی است که از طریق آن زن و شوهر با یکدیگر تعامل می‌کنند (باسر، پرتیوب و مولر^{۲۱}، ۲۰۱۹). مدل‌ها و نظریه‌های گوناگونی الگوهای ارتباطی زوجین را تبیین می‌کنند که در میان آن‌ها به الگوی ارتباطی کریستنسن و سالوی^{۲۲} پرداخته می‌شود. کریستنسن و شنک سه الگوی ارتباطی زوجین را معرفی کرده‌اند که عبارت‌اند از: الف. الگوی ارتباطی سازنده متقابل: در آن هر کدام از زوجین سعی دارند با یکدیگر گفت‌وگو کنند، ابراز احساسات نسبت به هم داشته باشند و برای مشکل ارتباطی، پیشنهاد راه‌حل و مذاکره دهند و هر دو احساس می‌کنند که همدیگر را درک می‌کنند؛ ب. الگوی ارتباط اجتناب متقابل: در طی آن زوجین هر دو سعی دارند از بحث کردن درباره مشکل اجتناب کنند؛ ج. الگوی ارتباط توقع/کناره‌گیری که شامل دو قسمت توقع مرد - کناره‌گیری زن و توقع زن - کناره‌گیری مرد می‌باشد. الگوهای ارتباطی سازنده و الگوهای ارتباطی معیوب و ناسالم به ترتیب، یکی از عوامل مهم رضایتمندی زناشویی و ناراضی زناشویی هستند (گاتمن، ۲۰۱۸، ترجمه محمدخانی، اکبری و فیاضی، ۱۳۹۸). پژوهش‌های بسیاری نشان دادند که خشنودی و رضایت زناشویی زوجها با کاهش الگوهای توقع/کناره‌گیری و اجتناب متقابل و افزایش الگوی سازنده متقابل، افزایش می‌یابد. از طرفی، میلز^{۲۳} (۲۰۰۸) رفتار توقع/کناره‌گیری (زمانی که زن تقاضا دارد و مرد کناره‌گیری می‌کند) را پیش‌بینی‌کننده کاهش خشنودی زناشویی و در نتیجه جدایی می‌داند و رابرتز (۲۰۰۰) معتقد است که الگوی توقع/کناره‌گیری در رابطه زناشویی با ناخشنودی زناشویی، اضطراب، افسردگی و جدایی همراه است. از طرف دیگر شیلینگ، دونالد، چارلز، سندین و لینله^{۲۴} (۲۰۰۳) الگوی ارتباطی اجتناب متقابل زوجین را باعث دوری آن‌ها از گفت‌وگو در مورد مشکل می‌پندارند.

پژوهش‌ها در بسیاری از کشورها بیانگر افزایش نرخ طلاق (چانگ^{۲۵}، ۲۰۱۲)، افزایش هم‌خانگی (هیلی^{۲۶}، ۲۰۱۰) و افزایش خیانت‌های زناشویی است (جنفریو^{۲۷}، ۲۰۰۹). بنابراین با توجه به افزایش سریع طلاق در سال‌های اخیر و همچنین شیوع اختلال‌های شخصیت در جمعیت عادی که بین ۱۲ تا ۲۱ درصد گزارش شده است (جانسون و جکسون، ۲۰۱۶) و همچنین اینکه صفات شخصیت تاریک با خیانت به همسر (بروئر، هانت، جیمز و ابل^{۲۸}، ۲۰۱۵)، تعهد و صمیمیت پایین در رابطه (علی و پریموزیک - چاما^{۲۹}، ۲۰۱۰) و رضایت پایین از رابطه (اویسل^{۳۰}، ۲۰۱۶) در ارتباط است، ضرورت داشت به‌عنوان یک خلأ پژوهشی نقش صفات تاریک شخصیت و الگوهای ارتباطی زوجین برای اولین بار در پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج به‌صورت ترکیبی مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص شود که آیا بین صفات تاریک شخصیت و الگوهای ارتباطی و بی‌ثباتی ازدواج رابطه‌ای وجود دارد و همچنین آیا بی‌ثباتی ازدواج براساس صفات تاریک شخصیت و الگوهای ارتباطی زوجین قابل پیش‌بینی است؟ پاسخ این سؤالات می‌تواند به درمانگران کمک کند تا از طریق شناخت بهتر این صفات و سایر عوامل مؤثر در احتمال وقوع طلاق، در زوج‌درمانی و مشاوره پیش از ازدواج، از رابطه‌های کشف‌شده این متغیرها استفاده کنند.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع مطالعات همبستگی است که در آن صفات تاریک شخصیت و الگوهای ارتباطی زوجین، متغیرهای پیش‌بین و بی‌ثباتی ازدواج متغیر ملاک است. جامعه آماری این پژوهش زوجین ساکن شهرهای تهران و کرج بودند. روش نمونه‌گیری به‌صورت در دسترس انجام شد. براساس فرمول گرین (۱۹۹۱)، حداقل حجم نمونه در پژوهش حاضر ۱۰۶ نفر به دست آمد که برای اطمینان از حجم نمونه و کاهش ضریب خطا، ۲۶۰ نفر، شامل ۱۳۰ زن متأهل و ۱۳۰ مرد متأهل، در این پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفتند. ابتدا به شرکت‌کنندگان در ارتباط با محرمانه‌بودن اطلاعات و عدم ذکر نام آنان در پژوهش اطمینان داده شد؛ همچنین درباره هدف پژوهش، موضوع مورد مطالعه و ابزار آن‌ها، توضیحات لازم ارائه و از علاقه‌مندی آن‌ها به پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه‌ها اطمینان حاصل شد. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بود از: داشتن ازدواج دائم، سپری‌شدن حداقل یک سال از مدت ازدواج، زندگی با همسر در یک خانه.

همچنین ملاک خروج از پژوهش، پاسخ‌ندادن به حداقل ده درصد آیتم‌های پرسش‌نامه بود. ابتدا با مراجعه به مناطق مختلف شهر تهران و کرج پرسش‌نامه‌ها ارائه شد و اطلاعات به‌صورت اجرای کاغذمادی جمع‌آوری شدند. همچنین با فرستادن لینک پرسش‌نامه به‌صورت اینترنتی در فضای مجازی، از افراد دارای شرایط درخواست همکاری و پرکردن گردید. بعد از بررسی پرسش‌نامه‌ها و احراز ملاک‌های ورود و خارج کردن پرسش‌نامه‌های ناقص، ۱۲۲ زن و ۱۲۴ مرد از آزمودنی‌ها انتخاب شدند. در پژوهش حاضر، جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی (جدول فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد) و به‌منظور پاسخ‌گویی به سؤال پژوهش از روش آمار استنباطی (آزمون ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس و رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام) استفاده شد. همچنین داده‌های حاصل از این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار SPSS 26 تحلیل شد.

ابزارهای پژوهش

پرسش‌نامه شاخص بی‌ثباتی ازدواج (MII)^{۳۱}: این پرسش‌نامه یک ابزار ۱۴سؤالی است که برای اندازه‌گیری عدم ثبات زناشویی و خصوصاً مستعد طلاق بودن، توسط بوث، جانسون و ادواردز^{۳۲} (۱۹۸۷) تدوین شده است. هدف از تهیه این پرسش‌نامه اندازه‌گیری بی‌ثباتی ازدواج یا احتمال طلاق بود. این آزمون برای اولین بار در سال ۱۹۸۰ برای ۲۰۳۴ زن و مرد متأهل زیر ۵۵ سال و همچنین برای ۱۵۷۸ زن و مرد متأهل در سال ۱۹۸۳ استفاده شد. این آزمون توسط یاری‌پور (۱۳۷۸) در ایران، روی پنجاه زوج متقاضی طلاق ارجاع داده شده محاکم دادگستری استان قم به مراکز مداخلات مشاوره خانواده (به‌عنوان گروه آزمایشی) و پنجاه نفر زوج غیرارجاعی براساس احتمال طلاق بالا (به‌عنوان گروه کنترل) اجرا شد. همچنین برای محاسبه ضریب اعتبار این ابزار، از روش همبستگی بین دو نیمه، برای ارزیابی قابلیت اعتبار آزمون استفاده کرد و ضریب اعتبار را ۰/۷۰ گزارش نمود (ثنایی، ۱۳۸۷). این شاخص به‌صورت صفر و یک نمره‌گذاری می‌شود. گزینه بله برابر با یک و گزینه خیر برابر با صفر می‌باشد. پاسخ‌های نمی‌دانم، «بله» محسوب می‌شوند. کمترین نمره در این پرسش‌نامه ۰ و بیشترین نمره برابر با ۱۴ است. نمره پایین در این شاخص به‌معنای ثبات بیشتر ازدواج و زندگی زناشویی و نمره بالا بیانگر بالابودن بی‌ثباتی ازدواج می‌باشد. پایایی این پرسش‌نامه در مطالعه حاضر از طریق محاسبه آلفای کرونباخ، مقدار ۰/۸۴ به دست آمد.

پرسش‌نامه فرم کوتاه سه‌گانه تاریک (SD3)^{۳۳}: مقیاس صفات سه‌گانه شامل ۲۷ ماده و سه زیرمقیاس است که در سال ۲۰۱۴ توسط پالھوس و جونز تهیه شد. هریک از سه زیرمقیاس این پرسش‌نامه نیز شامل ۹ ماده است که به‌منظور ارزیابی سه صفت شخصیتی ماکیاولیسم، خودشیفته و ضداجتماعی به کار می‌روند. در پژوهش جونز و پالھوس (۲۰۱۴) دامنه ضرایب آلفای ۰/۶۸ تا ۰/۷۴ و همچنین همبستگی درونی ۰/۲۲ تا ۰/۴۰ برای زیرمقیاس‌های این مقیاس به دست آمده است. زیرمقیاس‌ها ضرایب آلفای کرونباخ بین ۰/۷۰ تا ۰/۸۰ در نمونه اعتبارسنجی متقابل نشان دادند. ضرایب بازآزمایی در بازه زمانی دو هفته ۰/۷۷ تا ۰/۸۴ گزارش شده است. بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس سه‌گانه تاریک در جامعه ایران بیانگر ویژگی‌های مطلوب این مقیاس بود. یعقوبی و امیری ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های ضداجتماعی، ماکیاولیسم و خودشیفتگی را به‌ترتیب برابر ۰/۶۹، ۰/۷۱ و ۰/۸۲ را به دست دادند؛ همچنین ضرایب بازآزمایی برابر با ۰/۷۹، ۰/۶۶ و ۰/۷۳ گزارش گردیده است که نشان‌دهنده ثبات مطلوب این مقیاس است. ماده‌های این مقیاس براساس میزان موافقت یا مخالفت شرکت‌کننده با سؤال‌های مقیاس، از طریق طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. مقدار پایایی این پرسش‌نامه در مطالعه حاضر از طریق محاسبه آلفای کرونباخ، ۰/۷۸ به دست آمد.

پرسش‌نامه الگوهای ارتباطی (CPQ)^{۳۴}: کریستینسن و سالاوی این پرسش‌نامه را در سال ۱۹۸۴ در دانشگاه کالیفرنیا تهیه کردند که ۳۵ سؤال و ۳ مقیاس (سازنده متقابل، متوقع/کناره‌گیر، اجتنابی متقابل) دارد. پاسخ‌ها در یک مقیاس نه‌درجه‌ای لیکرت، رفتارهای زوجها را در طی سه مرحله از تعارض زناشویی ارزیابی

می‌کنند: الف. زمان ایجاد مشکل در روابط زوج‌ها؛ ب. در مدت‌زمان بحث درباره مشکل؛ ج. بعد از بحث درمورد مشکل ارتباطی زوج‌ها. این پرسش‌نامه هر رفتار را روی یک مقیاس نه‌درجه‌ای لیکرت که از ۱ (غیرممکن است) تا ۹ (خیلی امکان دارد) درجه‌بندی می‌کنند. کریستینسن و هیوی (۱۹۹۶) اعتبار خرده‌مقیاس‌های این پرسش‌نامه را با روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۵۰ تا ۰/۷۸ به دست آوردند. در ایران، عبادت‌پور (۱۳۷۹) این پرسش‌نامه را هنجاریابی کرد و به‌منظور برآورد روایی آن، همبستگی بین مقیاس‌های این پرسش‌نامه و پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ را محاسبه نمود. ضرایب به‌دست‌آمده برای سه خرده‌مقیاس ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتنابی متقابل و ارتباط توقع/کناره‌گیری به‌ترتیب عبارت از ۰/۵۸، ۰/۵۸- و ۰/۳۵- بود که همگی در سطح آلفای ۰/۰۱ معنی‌دار بود. در این پژوهش، ضریب آلفای کرونباخ برای کل سؤالات پرسش‌نامه ۰/۷۹ برآورد شد و ضریب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های ارتباط سازنده متقابل، توقع/کناره‌گیری و اجتنابی متقابل به‌ترتیب ۰/۶۴، ۰/۶۹ و ۰/۵۳ به دست آمد. پایایی این پرسش‌نامه در مطالعه حاضر از طریق محاسبه آلفای کرونباخ، مقدار ۰/۸۶ به دست آمد.

بیان یافته‌ها

میانگین سنی و مدت ازدواج تمامی شرکت‌کنندگان در این پژوهش به‌ترتیب $9/74 \pm$ و $34/01 \pm$ و $9/08 \pm$ بود. همچنین از این تعداد ۱۲۲ نفر (۴۹/۵۹ درصد) مؤنث و ۱۲۴ نفر (۵۰/۴۰ درصد) مذکر بودند. میانگین و انحراف استاندارد کلیه متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است. به‌منظور تعیین پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج براساس صفات تاریک شخصیت و الگوهای ارتباطی زوجین در افراد متأهل، از آزمون رگرسیون چندمتغیره با روش گام‌به‌گام استفاده شد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش (N=۲۴۶)

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
بی‌ثباتی ازدواج	۴/۴۰	۳/۴۸
ماکیاولیستی	۲۷/۴۳	۴/۲۶
خودشیفته	۲۸/۶۶	۴/۳۴
جامعه‌ستیز	۲۶/۲۸	۳/۵۹
ارتباط سازنده متقابل	۲۸/۲	۱۰/۷۸
کناره‌گیری/ متوقع	۲۵/۳۴	۹/۸۳
مرد متوقع/ کناره‌گیر	۱۱/۱۵	۵/۰
زن متوقع/ کناره‌گیر	۱۴/۲۲	۶/۲۸
اجتناب متقابل	۱۲/۹۷	۵/۳۵

پس از بررسی آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش، ابتدا وجود داده‌های خارج از محدوده بررسی و با مراجعه به اصل پرسش‌نامه‌ها اصلاحات لازم انجام شد. پس از آن داده‌های گزارش‌نشده مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد هیچ داده گزارش‌نشده‌ای وجود ندارد. در گام بعد، وضعیت توزیع نرمال داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنف مورد بررسی قرار گرفت که تمامی متغیرهای پژوهش عدم معناداری آزمون کولموگروف-اسمیرنف را نشان می‌دهند که حاکی از توزیع نرمال داده در تمامی سطوح متغیرهای پژوهش

می‌باشد. ابتدا پیش از اجرای آزمون رگرسیون چندگانه گام به گام، به منظور تعیین ماتریس همبستگی میان متغیرهای پژوهش، از روش همبستگی پیرسون استفاده شد که جدول ۲ نتایج آزمون ماتریس همبستگی پیرسون میان متغیرهای بی‌ثباتی ازدواج، صفات تاریک شخصیت و الگوی ارتباطی زوجین (ارتباط سازنده متقابل، کناره‌گیری/توقع، مرد متوقع، زن متوقع، اجتناب متقابل) را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ماتریس ضرایب همبستگی متغیرهای بی‌ثباتی ازدواج، صفات تاریک شخصیت،

الگوی ارتباطی زوجین، سن و طول ازدواج

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
بی‌ثباتی ازدواج	۱										
خودشیفتگی	-۰/۱۴۹*	۱									
جامعه‌ستیزی	-۰/۲۶۸*	-۰/۳۰۴**	۱								
ماکیاولیسم	-۰/۴۵	-۰/۱۴*	-۰/۱۶۶**	۱							
ارتباط سازنده متقابل	-۰/۶۸*	-۰/۱۹۳**	-۰/۳۳**	-۰/۰۱	۱						
کناره‌گیری/توقع	-۰/۳۴**	-۰/۱۶۶**	-۰/۲۱**	-۰/۱۳**	-۰/۶۲**	۱					
مرد متوقع/زن کناره‌گیر	-۰/۴**	-۰/۲۲۵**	-۰/۱۹**	-۰/۱۳۵*	-۰/۶۶**	-۰/۹**	۱				
زن متوقع/مرد کناره‌گیر	-۰/۱۶۷**	-۰/۰۵	-۰/۱۵*	-۰/۲۳**	-۰/۳۹**	-۰/۸۳**	-۰/۵۱**	۱			
اجتناب متقابل	-۰/۲۶**	-۰/۱۴*	-۰/۱۵*	-۰/۰۵	-۰/۵۳**	-۰/۵۱**	-۰/۵۸**	-۰/۲۷**	۱		
سن ازدواج	-۰/۷۹	-۰/۹۱	-۰/۱۶۴*	-۰/۱۱۱	-۰/۰۶۳	-۰/۱۸۸**	-۰/۱۵۷*	-۰/۱۰۷	-۰/۱۰۷	۱	
طول ازدواج	-۰/۱۴۷*	-۰/۱۰۱	-۰/۲۰۳**	-۰/۱۵۵*	-۰/۰۲۳	-۰/۲۰۲**	-۰/۱۳۱*	-۰/۲۴۴**	-۰/۰۵۸	-۰/۸۸۰**	۱

* در سطح معناداری ۰/۰۵ ** در سطح معناداری ۰/۰۱

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، متغیر بی‌ثباتی ازدواج به ترتیب با صفات شخصیت خودشیفته رابطه منفی و معنادار ($\text{Sig} = ۰/۰۱, r = -۰/۱۴۹$) و با صفات شخصیت جامعه‌ستیزی رابطه مثبت و معناداری ($\text{Sig} = ۰/۰۰۱, r = ۰/۲۶۸$) را نشان می‌دهد. همچنین میان بی‌ثباتی ازدواج و صفات شخصیت ماکیاولیستی ارتباط معناداری وجود ندارد ($\text{Sig} = ۰/۲۴, r = ۰/۴۵$)، متغیر بی‌ثباتی ازدواج به ترتیب با متغیر ارتباط سازنده متقابل رابطه منفی و معنادار ($\text{Sig} = ۰/۰۱, r = -۰/۶۸$) را نشان می‌دهد و با سایر متغیرها شامل کناره‌گیری/توقع ($\text{Sig} = ۰/۰۱, r = ۰/۳۴$)، مرد متوقع/کناره‌گیر ($\text{Sig} = ۰/۰۱, r = ۰/۴۰$)، زن متوقع/کناره‌گیر ($\text{Sig} = ۰/۰۱, r = ۰/۱۶$) و اجتناب متقابل ($\text{Sig} = ۰/۰۱, r = ۰/۲۵$) رابطه مثبت و معناداری را نشان می‌دهد. همچنین متغیر بی‌ثباتی ازدواج با طول مدت ازدواج رابطه منفی و معناداری ($\text{Sig} = ۰/۰۵, r = ۰/۱۴۷$) را نشان می‌دهد. به‌منظور اجرای آزمون رگرسیون چندگانه، مدل گام به گام نیاز است که پیش‌فرض‌های آن مورد بررسی قرار گیرد. در همین راستا، سه پیش‌فرض توزیع نرمال داده‌های متغیر ملاک با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنف، استقلال باقی‌مانده‌ها با استفاده از آزمون دوربین واتسون و بررسی هم‌خطی متغیرهای پیش‌بین، با استفاده از شاخص تحمل و تورم واریانس مورد ارزیابی قرار گرفت. آزمون کولموگروف - اسمیرنف برای بررسی توزیع نرمال داده‌های متغیر ملاک نشان داد که متغیر ملاک (بی‌ثباتی ازدواج) از توزیع نرمال برخوردار است ($p > ۰/۰۱$). در ادامه، به‌منظور بررسی استقلال باقی‌مانده‌ها از آزمون دوربین واتسون استفاده شد. تاباچنیک و فیدل (۲۰۰۱) مقدار مناسب این آزمون را میان صفر و دو در نظر گرفته‌اند که این مقدار برای داده‌های پژوهش حاضر $۱/۲۶$ به دست آمد که حاکی از برقراری این مفروضه دارد. همچنین به‌منظور بررسی

هم‌خطی متغیرهای پیش‌بین با یکدیگر، از شاخص تحمل و تورم واریانس استفاده شد. تاباچنیک و فیدل (۲۰۰۱) عنوان کردند که میزان بیشتر از ۰/۴ برای شاخص تحمل و میزان کمتر از ۲/۵ برای شاخص تورم واریانس مطلوب است. در همین راستا، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که میزان شاخص تحمل برای متغیرهای پیش‌بین ۰/۹۰ و میزان شاخص تورم واریانس نیز ۱/۱۰ می‌باشد؛ بنابراین فرض برقراری عدم هم‌خطی متغیرهای پیش‌بین رعایت شده است. در ادامه به بررسی رگرسیون چندگانه با روش گام به گام پرداخته شده است.

جدول ۳. خلاصه تحلیل واریانس پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج براساس صفات تاریک

شخصیت و الگوی ارتباطی زوجین

معناداری	F	میانگین مجذورات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	مدل	
۰/۰۰۱*	۲۰۹/۸۷	۱۳۷۸/۸۶	۱	۱۳۷۸/۸۶	رگرسیون	مدل ۱
		۶/۵۷	۲۴۲	۱۵۸۹/۹۶	باقی‌مانده	
			۲۴۳	۲۹۶۸/۸۳	جمع	
۰/۰۰۱*	۱۱۰/۵۹	۷۱۰/۴۰	۲	۱۴۲۰/۸۰	رگرسیون	مدل ۲
		۶/۴۲	۲۴۱	۱۵۴۸/۰۲	باقی‌مانده	
			۲۴۳	۲۹۶۸/۸۳	جمع	
۰/۰۰۱*	۷۶/۴۰	۴۸۳/۴۲	۳	۱۴۵۰/۲۹	رگرسیون	مدل ۳
		۶/۳۲	۲۴۰	۱۵۱۸/۵۴	باقی‌مانده	
			۲۴۳	۲۹۶۸/۸۳۲	جمع	

همان‌طور که در جدول ۳ مشخص شده است، نتیجه تحلیل واریانس، حاکی از معناداری کل مدل دارد. از آنجایی که سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، مدل معنادار بوده و نشان می‌دهد که متغیرهای پیش‌بین از قدرت تبیین بالایی برخوردار بوده و حداقل یکی از متغیرهای الگوی ارتباطی زوجین می‌تواند پیش‌بینی‌کننده بی‌ثباتی ازدواج باشد؛ به عبارت دیگر، مدل رگرسیونی پژوهش از برازش خوبی برخوردار است و به کمک آن می‌توان تغییرات متغیر ملاک را تبیین کرد.

جدول ۴. خلاصه مدل رگرسیونی پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج براساس صفات

تاریک شخصیت و الگوی ارتباطی زوجین

مدل	همبستگی (R)	ضریب تعیین (R ²)	مجذور تعیین تعدیل‌شده (Adj R ²)
۱	۰/۶۸۲	۰/۴۶	۰/۴۶
۲	۰/۶۹۲	۰/۴۷	۰/۴۷
۳	۰/۶۹۹	۰/۴۹	۰/۴۸

طبق جدول ۴ با استفاده از مدل رگرسیونی گام‌به‌گام سه مدل به دست آمده است که ابتدا متغیری که بیشترین همبستگی معنادار را با متغیر ملاک دارد، متغیر ارتباط سازنده است که در گام اول وارد مدل شد و سپس در گام دوم اجتناب متقابل و در گام سوم، متغیر زن متوقع/ مرد کناره‌گیر وارد مدل شد و سایر متغیرها به‌علت نداشتن نقش معنادار در پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج کنار رفتند. در گام اول، میزان F به دست‌آمده ارتباط سازنده در جدول ۳ به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده بی‌ثباتی ازدواج، معناداری را نشان داد (F= ۲۰۹/۸۷). در همین راستا، رابطه این متغیر با بی‌ثباتی ازدواج براساس جدول ۴ معنادار بوده (R= ۰/۶۸۲) و در مجموع ۴۶

درصد از واریانس متغیر بی‌ثباتی ازدواج را تبیین می‌کند ($R^2 = 0/46$) که در صورت تعمیم نمونه مورد مطالعه به جامعه اصلی نیز این متغیر قادر به پیش‌بینی ۴۶ درصد از واریانس متغیر بی‌ثباتی ازدواج می‌باشد ($Adj R^2 = 0/46$). همچنین در مجموع، سه متغیر ارتباط متقابل سازنده، اجتناب متقابل و متغیر زن متوقع/مرد کناره‌گیر ۴۹ درصد از واریانس بی‌ثباتی ازدواج را پیش‌بینی کردند.

جدول ۵. آماره‌های متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیونی پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج بر اساس صفات تاریک شخصیت و الگوی ارتباطی زوجین

معناداری	مقدار تی	ضریب بتای استاندارد	غیراستاندارد	ضریب بتا	متغیر	
Sig	t	β	SE	B		
۰/۰۰۱°	۲۹/۳۹		۰/۱۶	۴/۹۱	ثابت	مدل ۱
۰/۰۰۱°	-۱۴/۴۸	-۰/۶۸	۰/۰۱	-۰/۲۲	ارتباط سازنده متقابل	
۰/۰۰۱°	۱۲/۰۳		۰/۵۱۱	۶/۱۵	ثابت	مدل ۲
۰/۰۰۱°	-۱۳/۷۸	-۰/۷۵	۰/۰۱	-۰/۲۴	ارتباط سازنده متقابل	
۰/۰۱°	-۲/۵۵	-۰/۱۴	۰/۰۳	-۰/۰۹	اجتناب متقابل	مدل ۳
۰/۰۰۱°	۱۱/۰۶		۰/۶۲	۶/۹۵	ثابت	
۰/۰۰۱°	-۱۳/۸۸	-۰/۷۹	۰/۰۱	-۰/۲۵	ارتباط سازنده متقابل	
۰/۰۱°	-۲/۴۰	-۰/۱۳	۰/۰۳	-۰/۰۸	اجتناب متقابل	
۰/۰۳°	-۲/۱۵	-۰/۱۰	۰/۰۳	-۰/۰۷	زن متوقع/مرد کناره‌گیر	

طبق جدول شماره ۵، ضریب رگرسیونی متغیرهای پیش‌بین نشان می‌دهد که سه ارتباط سازنده متقابل، اجتناب متقابل و زن متوقع می‌توانند تغییرات بی‌ثباتی ازدواج را به صورت معناداری تبیین نمایند. تغییر یک انحراف استاندارد در ارتباط سازنده متقابل منجر به تغییر (۰/۲۵) انحراف استاندارد در متغیر بی‌ثباتی ازدواج می‌شود که در صورت تعمیم نمونه مورد مطالعه به جامعه اصلی، این مقدار ($Beta=0/79$) خواهد بود. در ادامه، تغییر یک انحراف استاندارد در صفات اجتناب متقابل منجر به تغییر (۰/۰۸) انحراف استاندارد در متغیر بی‌ثباتی ازدواج می‌شود که در صورت تعمیم نمونه مورد مطالعه به جامعه اصلی، این مقدار ($Beta=0/13$) خواهد بود. همچنین نتایج نشان داد که تغییر یک انحراف استاندارد در زن متوقع/مرد کناره‌گیر منجر به تغییر (۰/۰۸) انحراف استاندارد در متغیر بی‌ثباتی ازدواج می‌شود که در صورت تعمیم نمونه مورد مطالعه به جامعه اصلی، این مقدار ($Beta=0/10$) خواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش تعیین نقش صفات تاریک شخصیت و الگوهای ارتباطی افراد متأهل در پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج بود. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که الگوی ارتباطی زوجین (ارتباط سازنده متقابل، کناره‌گیری/توقع، مرد متوقع/زن کناره‌گیر، زن متوقع/مرد کناره‌گیر، اجتناب متقابل) بی‌ثباتی ازدواج را پیش‌بینی می‌کند. همچنین نتایج نشان داد که بی‌ثباتی ازدواج به صورت مثبت معنی‌داری با صفت جامعه‌ستیزی و به صورت منفی معنی‌داری با صفت خودشیفته رابطه دارد و ماکیاولیسم نیز هیچ نقشی در تبیین بی‌ثباتی ازدواج نداشت. نتایج

این پژوهش برای صفت جامعه‌سنجی با یافته‌های برهانی‌زاد و عبدی (۱۳۹۶)، شفیعی و قمرانی (۱۳۹۶)، جوناسون و وبستر^{۳۵} (۲۰۱۲)، جونز و ویسر (۲۰۱۴)، سید شیرازی و خداباری‌فرد (۲۰۱۵) و هادک نوزیک، کاردم و بانوو^{۳۶} (۲۰۲۳) همخوانی دارد. همچنین صادق‌خانی، امامی‌پور و میرهاشمی (۱۴۰۲) نشان دادند که صفت ماکیاولی با طلاق عاطفی رابطه دارد، اما الزاماً منجر به بی‌ثباتی ازدواج نمی‌شود.

برای تبیین یافته‌های به‌دست‌آمده می‌توان در ابتدا به این نکته اشاره کرد که درمورد صفات سه‌گانه تاریخ شخصیت و رابطه آن با صداقت، حس انسان‌دوستی، منطق و رضایتمندی و شادی افراد، پژوهش‌ها نشان‌دهنده رابطه معکوس بالای این خصوصیات با صفات تاریکی همچون جامعه‌سنجی است که در این افراد میزان صداقت، خوش‌حالی و حس انسان‌دوستی کم است و لذا بی‌ثباتی ازدواج در آن‌ها بالاتر است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان عنوان نمود که جونز و پالپوس (۲۰۱۴) صفات سه‌گانه تاریخ شخصیت را با انواع الگوهای بی‌ثباتی ازدواج و اقدام به خیانت بررسی کرده‌اند و براساس نتایج به‌دست‌آمده نشان دادند که رابطه‌ای قوی بین جامعه‌سنجی و بی‌ثباتی ازدواج وجود دارد. براساس این پژوهش، بعد خودشیفتگی در بین زنان بیشتر مشاهده می‌شود. زنان بیشتر به‌علت کمبود عاطفه بین خود و همسر، اقدام به خیانت می‌کنند و دو بعد دیگر یعنی ماکیاولیسم و جامعه‌سنجی بیشتر در مردان دیده شده و با روابط یک‌شبه و انواع خیانت جنسی، بدون ایجاد رابطه عاطفی ارتباط دارند. این‌گونه افراد بیشتر تمایل به ایجاد روابط کوتاه‌مدت دارند و به‌علت کمبود حس تعهد و عدم پایبندی به روابط زوج، خیانت در این‌گونه افراد زیاد است (جونز و پالپاس، ۲۰۱۴). به نظر می‌رسد به‌علت عدم تعهد و فقدان حس انسان‌دوستی و صداقت، در افرادی با ابعاد تاریخ شخصیت به‌خصوص در دو بعد ماکیاولیسم و جامعه‌سنجی، نگرش به روابط کوتاه‌مدت و غیرمتعهدانه و همچنین بی‌ثباتی ازدواج در آن‌ها مثبت است (جوناسون و وبستر، ۲۰۱۰) و پیش‌بینی‌کننده‌های بهتری در مقایسه با خودشیفتگی برای ارتباط متعارض هستند (هوران، گوین و بنقارت^{۳۷}، ۲۰۱۵).

بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که بین صفات تاریخ شخصیت با رضایت کم از رابطه زناشویی، عدم داشتن تعهد در رابطه و به‌کارگیری راهبردهای ناسازگارانه رابطه وجود دارد (بارنت و فلورز^{۳۸}، ۲۰۱۶)؛ لذا این افراد با رفتارهای بین فردی ناسازگارانه خود سبب ایجاد ناراحتی در همسر، اعضای خانواده و دوستان خود می‌شوند (لامکین، کمپل، وندلن و میلر^{۳۹}، ۲۰۱۵). بسیاری از خانواده‌های دارای فردی با صفات تاریخ شخصیت، در مقیاس معیارهای ارزیابی کلی عملکرد شامل برآورده‌شدن نیازهای معمول اعضای خانواده، امتیاز پایینی می‌آورند که این امر نشان‌دهنده تأثیر کارکردی نامطلوب این صفات بر همسر، روابط زوجی و خانواده است (سید شیرازی و خداباری‌فرد^{۴۰}، ۲۰۱۵). اما با وجود اینکه سه صفت شخصیت متمایز از هم هستند، ویژگی‌های مشترکی هم دارند که هسته اصلی هر سه، سنگ‌دلی و بی‌عاطفه‌بودن است. در تبیین رابطه منفی خودشیفتگی و بی‌ثباتی ازدواج، یک ویژگی متمایز درمورد خودشیفتگی این است که براساس تحقیقات گذشته، در افراد خودشیفته خودبزرگ‌بینی، خیال‌پردازی درباره موفقیت نامحدود، قدرت، زیبایی و همچنین نیاز دائمی به تحسین دیگران بارز بوده است (آقابابایی^{۴۱}، ۲۰۱۴). به بیان دیگر، جداشدن از همسر و از بین رفتن رابطه، موجب آسیب به احساس تکبر و غرور و تسلط افراد خودشیفته خواهد شد. همچنین با ترجیحات و استانداردهای بالا در همه ابعاد، شریک عاطفی ایده‌آل خود را انتخاب می‌کنند (تاج میرریاحی، نجفی، حمیدی‌زاده، دوئرفلر و ایکس^{۴۲}، ۲۰۲۱). لذا این افراد تلاش می‌کنند تا مانع جدایی، طلاق و از بین رفتن رابطه خود با همسر شوند که

این موارد توجیه احتمالی نتایج به‌دست‌آمده پژوهش حاضر می‌باشد. به نظر می‌رسد که صفات تاریک خودشیفتگی با اختلال شخصیت خودشیفته تفاوت ساختاری و بالینی متمایزی دارند. از این‌رو، فرد با حالت و صفت خودشیفتگی تمایل بیشتری به حفظ رابطه دارد. در حالی که اختلال شخصیت خودشیفته فاقد چنین توانایی برای حفظ رابطه با همسر باشد. در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان داد که ماکیاولیسم و جامعه‌ستیزی می‌تواند با تأثیری منفی بر کیفیت روابط بین شخصی فرد با همسرش منجر به شکل‌گیری بی‌ثباتی ازدواج شود و این در حالی است که خودشیفتگی به‌دلیل دربرداشتن صفاتی همچون تکبر، غرور و استثمار دیگران مانع بی‌ثباتی ازدواج می‌شود.

همچنین نتایج نشان داد که بی‌ثباتی ازدواج به‌صورت معنی‌داری بر اساس الگوی ارتباطی زوجین (ارتباط سازنده متقابل، کناره‌گیری/توقع، مرد متوقع، زن متوقع، اجتناب متقابل) پیش‌بینی می‌شود. نتایج این پژوهش با یافته‌های هنرپروران، قادری و قبادی (۱۳۹۰)، نریمانی، پوراسماعیلی، میکائیلی و حاجلو (۱۳۹۴)، صاحب‌دل، جمشیدی و شکوری (۱۳۹۶)، ایدلسون و اپستین^{۴۳} (۱۹۸۱)، رابرتز (۲۰۰۰)، گرم، لیبو و اشنایدر^{۴۴} (۲۰۱۵) و اشرفیان لک و باقری (۱۳۹۸) همخوانی دارد. برای تبیین نتایج به‌دست‌آمده می‌توان به این نکته اشاره کرد که نوع الگوهای ارتباطی زوجین پیش‌زمینه بروز تعارض‌های زناشویی و بی‌ثباتی ازدواج است. از این‌رو ارتباط را می‌توان به‌عنوان معیار معتبری برای تشخیص زوج‌های خوشبخت و ناراضی مورد استفاده قرار داد. چنانچه الگوی ارتباطی سازنده متقابل به‌عنوان الگوی غالب در روابط زناشویی به کار برده شود، با افزایش میزان رضایت زناشویی زوجین و ثبات ازدواج همراه خواهد بود (نوروزی، رضاخانی و وکیلی^{۴۵}، ۱۳۹۸).

مهم‌ترین ویژگی این الگو این است که الگوی ارتباطی زوجین از نوع برنده - برنده می‌باشد. همچنین با توجه به نتایج پژوهش می‌توان گفت الگوی ارتباطی اجتناب متقابل و توقع/کناره‌گیر به‌عنوان الگوهای مخرب در روابط زناشویی، زوجین متقاضی طلاق است. به‌طوری که در این الگوهای ارتباطی ناکارآمد، هر دو زوج و یا یکی از آن‌ها در هنگام بروز اختلاف، از برقراری ارتباط با یکدیگر خودداری کرده و مشکل و تعارض به‌صورت حل‌نشده باقی می‌ماند و همین امر باعث کاهش رضایت زناشویی، افزایش بی‌ثباتی ازدواج و افزایش احتمال بروز طلاق در میان زوجین می‌شود (هنرپروران، قادری و قبادی، ۱۳۹۰). در تبیین احتمالی دیگر این نتایج باید گفت سبک‌های ارتباطی (ارتباط سازنده متقابل، کناره‌گیری/توقع، مرد متوقع، زن متوقع، اجتناب متقابل) از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد که در این میان، یکی از عوامل مهم و مؤثر در نحوه تعامل زوج نظام باورهای آن‌ها می‌باشد (ویلاگی^{۴۶}، ۲۰۱۵). اغلب زوج‌ها درباره درآمد و مخارج خانواده، نگهداری از فرزندان، فعالیت‌های اجتماعی، گذران اوقات فراغت و تقسیم کار در خانواده، باورهای متفاوتی دارند (بک، ۱۹۸۸). زوج‌هایی که باور تخریب‌کنندگی مخالف دارند، قادر به درک اختلافات پیش‌آمده نیستند و تفسیرهای نامناسب و تفرقه‌افکنی را در این موارد اظهار می‌دارند (ایدلسون و اپستین، ۱۹۸۱). از نظر آلیس، باورهای غیرمنطقی در شکل‌گیری الگوهای ارتباطی نقش اساسی دارند؛ توقعات و تفکرات غیرواقع‌گرایانه و فرازونشیب‌های زندگی که باعث بی‌ثباتی در روابط می‌شود (نریمانی، پور اسم علی، میکائیلی و حاجلو^{۴۷}، ۱۳۹۴). با توجه به مطالبی که ذکر شد، می‌توان گفت بی‌ثباتی و ناپایداری ازدواج با تفکرات و باورهای غیرمنطقی رابطه دارد و تغییر در نظام باور زوج‌ها می‌تواند تداوم ازدواج را تحت تأثیر قرار دهد؛ بنابراین می‌توان گفت باورهای ارتباطی و در رأس آن‌ها

باور تخریب‌کنندگی مخالف، نقش مهمی در بی‌ثباتی و فروپاشی ازدواج ایفا می‌کند و وجود رابطه همبستگی بین این متغیرها منطقی به نظر می‌رسد.

همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که بی‌ثباتی ازدواج ارتباط معنی‌داری با سن ازدواج ندارد، ولی با طول مدت ازدواج به صورت منفی رابطه معنی‌داری دارد. نتایج این پژوهش با یافته‌های ملتفت، محبی، شهپری و هاشمی (۱۳۹۹) که نشان دادند با افزایش مدت زندگی مشترک میزان طلاق کاهش می‌یابد، همسوست. در تبیین این یافته می‌توان به این نکته اشاره کرد که با افزایش طول مدت ازدواج، رضایت زناشویی افزایش می‌یابد (اسماعیل‌پور، خواجه و مهدوی، ۱۳۹۲) و همین عامل نیز می‌تواند باعث کاهش بی‌ثباتی ازدواج شود.

در مجموع می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که بی‌ثباتی ازدواج بر اساس الگوی ارتباطی زوجین (ارتباط سازنده متقابل، کناره‌گیری/توقع، مرد متوقع/زن کناره‌گیر، زن متوقع/مرد کناره‌گیر، اجتناب متقابل) پیش‌بینی می‌شود که می‌توان با آموزش آن‌ها به زوجین، بی‌ثباتی ازدواج را کاهش داد. همچنین صفات جامعه‌ستیز با تأثیرگذاری بر کاهش صمیمت و کاهش روابط عاطفی سازگار، منجر به بی‌ثباتی ازدواج می‌شوند، درحالی‌که خودشیفتگی به دلیل ایجاد تکبر و غرور در رابطه و عدم تمایل به ازدست‌دادن زوج و رابطه منجر به کاهش بی‌ثباتی ازدواج می‌شود.

یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر قلمرو مکانی آن و عدم امکان تعمیم یافته‌های آن به زوجین شهرهای دیگر است. از محدودیت‌های دیگر پژوهش حاضر می‌توان به عدم انجام مصاحبه تشخیصی و عدم غربالگری افراد به لحاظ دارا بودن یا نبودن عوامل تأثیرگذار بر پژوهش، از جمله اختلال روانی اشاره نمود.

پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران بعدی پژوهش حاضر را در جوامع دیگر و روی زوجین شهرهای دیگر نیز انجام دهند تا صحت این اطلاعات در ابعاد وسیع‌تری مورد تأیید قرار گیرد. از جمله پیشنهادها کاربردی این پژوهش این است که با توجه به نقش عوامل شخصیتی و روانی در بی‌ثباتی، بهتر است درباره آن‌ها در برنامه‌های آموزش زوجین آگاه‌سازی شود و کارگاه‌های آموزشی با محوریت خودکاوی و شخصیت‌شناسی برگزار شود که می‌تواند در رضایت از زندگی زناشویی تأثیرگذار باشد. همچنین انجام مطالعات آزمایشی به منظور بررسی تأثیر علی شخصیت تاریک بر تجربه بی‌ثباتی ازدواج درباره سایر گروه‌ها و افراد از جمله پیشنهادها پژوهشی این مطالعه است که در سایه تلاش‌های پژوهشگران آتی محقق خواهد شد.

پی‌نوشت‌ها

1. Brown, Sanchez, Nock & Wright
2. Dimkpa & Maciver
3. Tong, Jia, Li, He, Zhou, Lan & Fang
4. Hosain & Uddin
5. Burman, B., Margolin
6. Whisman
7. Lemmens, Buysse, Heene & Eisler
8. Aghababaei & BWachnio
9. Paulhus & Williams
10. Subclinical
11. Carlson, Vazire, & Oltmanns
12. Foster & Campbell
13. Buffardi & Campbell
14. Groningen, Grawitch, Lavigne, Pa-
-lmer
15. McHoskey
16. Blutner, Steinmeier and Bergold
17. Hare
18. Visser, Pozzebon, Bogaert, & Ash-
-ton
19. Trahair, Baran, Flakus, Marcin & -
Radosław
20. Blanchard
21. Basser, Pertiob and Muller
22. Christensen and Salavy
23. Mills
24. Schilling, Donald, Charles, Sandin
& Lynelle
25. Cheung
26. Healy
27. Jeanfreau
27. Kaiser, Hogan & LeBreton
28. Brewer, Hunt, James & Abell
29. Ali & Premuzic-Chamorro
30. Uysal
31. Marital Instability Index
32. Booth, Johnson & Edwards
33. Short Dark Triad
34. Communication Patterns Questionnaire
35. Jonason & Webster
36. Hadek Nozick, Kardem and Banu
37. Horan, Gwin, and Bengart
38. Barnett and Flores
39. Lamkin, Campbell, Wendlen and Miller
40. Seyed Shirazi and Khodayari Fard
41. Aghababai
42. Tajmiriyahi, Najafi, Hamidzadeh, Do-
-erfler, Ickes
43. Eidelson and Epstein
44. German, Liebo and Schneider
45. Nowrozi, Rezakhani and Vakili
46. Willoughby
47. Narimani, Pour Esme Ali, Mikaili and -
Hajlo

EXTENDED ABSTRACT

Predicting Marriage Instability based on the Dark Triad and Couples Communications Patterns in Married Couples

Introduction: Marriage instability is associated with concepts such as marital breakdown, divorce, low marital quality, and separation. Recent studies show that the spouse's personality traits plays a key role in marriage stability. Recent studies have paid attention to the impact of the Dark Triad in psychology. The Dark Triad are three personality traits that are undesirable for the society and include narcissism, Machiavellianism, and psychopathy. These three personality types are distinct but similar; the main cornerstone of all three, is cruelty and apathy. This study demonstrates their impact on marriage instability.

Personal characteristics are related to the individual themselves but in order to understand interpersonal factors in marriage instability as well, Couples' Communications patterns were also incorporated into the research. Research shows that relationship patterns and weak conflict resolution can lead to spousal tensions. Christensen and Schenck have introduced three Couples' Communications patterns which include: 1) mutually constructive, 2) mutual avoidance, and 3) demand/-neglect.

Researches in many countries indicate an increase in divorce rates (Chang, 2012) and an increase in marital infidelity (Genefrio, 2009). Therefore, considering the rapid increase in divorce in recent years and the presence of personality disorders in the general population, which is reported between 12 and 21% (Johnson and Jackson, 2016), it was necessary to fill the gap in research on the role of the Dark Triad and Couples' Communications patterns for the first time in order to determine whether there is a relationship between these variables and marriage instability and tendency toward divorce. The answers to this question can help therapists to utilize the discovered relationships between these variables in couple therapy and premarital counseling through a better understanding of these traits.

Methodology: This research is descriptive and correlational. The statistical population consists of couples living in Tehran and Karaj. Available sampling method was used. 260 people, including 130 married women and 130 married men, were selected and answered the Marital Instability Index (MII) questionnaires, Dark Triad Scale short form (SD3) and Communication Patterns Questionnaire (CPQ). Initially, the participants were assured regarding the confidentiality and anonymity of the information. The criteria for selection included: being permanently married, at least one year of marriage having passed, and living with a spouse in the same house. Also, the criterion for being excluded from the research was not answering at least ten percent of the items in the questionnaire. Firstly, by positioning at different areas of Tehran and Karaj, questionnaires were presented and the information was collected with a paper-and-pencil method. An online link to the questionnaire was also submitted to eligible people. After checking the questionnaires and verifying the inclusion and exclusion criteria of the incomplete questionnaires, 122 women and 124

men were selected among the subjects. Multiple regression test was used to analyze the data.

Findings: The average age and duration of marriage of all participants in this research were 34.01 ± 9.74 and 10.71 ± 9.08 , respectively. Also, 122 people (49.59%) were female and 124 people (50.40%) were male. The marriage instability variable has a negative and significant relationship with narcissistic personality ($r = -0.149$, Sig= 0.01) and a positive and significant relationship with psychopathic personality ($r = 0.268$, Sig= 0.001). Also, there is no significant relationship between marriage instability and Machiavellian personality ($r = 0.45$, Sig= 0.24). In addition, the variable of marriage instability shows a negative and significant relationship ($r = -0.68$, Sig = 0.01) with the variable of mutually constructive communication; there is a significant negative relationship ($r = -0.147$, Sig= 0.05) between the duration of marriage and instability of marriage. In the first step, the mutually constructive relationship variable was entered into the model, and then in the second step, mutually avoidant, and in the third step, the demanding woman/neglectful man variable was entered into the model, which predicted 49% of the variance of marriage instability. A change of one standard deviation in the mutual constructive relationship leads to a change of (0.25) standard deviation in the variable of marital instability, which, if the studied sample is generalized to the general populace, this value will be (Beta = 0.79).

Conclusion: The results of this research revealed that some Couple Communication Patterns (mutually constructive, demand/neglect, demanding man/neglectful woman, demanding woman/neglectful man, mutually avoidant) are predictive of marriage instability. The results of this research are consistent with the findings of Hanparvaran, Qadri and Qobadi (2013), Narimani, Pour Ismaili, Mikaeli and Hajlo (2014), Sahibdel, Jamshidi and Shakuri (2016), Garman, Lebow, and Schneider (2015), and Ashrafian Lek and Bagheri (2018). Also, the results showed that marriage instability has a significant positive relationship with psychopathy and a significant negative relationship with narcissism, and Machiavellianism had no role in explaining marriage instability. Sadeghkhani, Emamipour and Mirhashmi (1402) showed that Machiavellianism is related to emotional divorce, but it does not necessarily lead to marriage instability. Regarding narcissism and marriage instability, based on past research, self-conceit, fantasizing about unlimited success, power, beauty, and also constant need for admiration from others are the defining traits of narcissistic people (Aghababai, 2014). In other words, the separation of the spouse and the loss of the relationship will cause damage to the sense of arrogance and pride and dominance of narcissistic people.

References

- Abbasi Asl, M., & Mohammad Nazari, A. (1395). Relationship between sexual satisfaction, marital intimacy and attachment styles with marital instability of married women. The first comprehensive international conference of psychology, *educational sciences and social sciences*, Tehran [in Persian].
- Aghababaei, N., & Wachnio, A. (2015). Well-being and the Dark Triad, *Personality and Individual Differences*, 86 (90), 365-368.
- Aryaee Azar, A., Sadeghi, M.S., & Mootabi, F. (1400). Examining the differentiation of couples from the original family and its role in predicting communication patterns and marital satisfaction in different ethnicities of Iran. *Journal of Family Research*. 17(3), 353-368 [in Persian].
- Ashrafian Lak, S., Bagheri, N. (2019). Comparison of family communication patterns and personality traits in couples applying for divorce with ordinary people. *Social Health*, 8(1), 28-38 [in Persian].
- Barnett, M. D., & Flores, J. (2016). Narcissus, exhausted: Self-compassion mediates the relationship between narcissism and school burnout. *Personality and Individual Differences*, 97, 102-108.
- Bernard, M. E. (2009). Dispute irrational beliefs and teach rational beliefs: An interview with Albert Ellis. *Journal of Rational-Emotive & Cognitive-Behavior Therapy*, 27(1), 66-76.
- Brewer, G., Hunt, D., James, G., & Abell, L. (2015). Dark Triad traits, infidelity and romantic revenge. *Personality and Individual Differences*, 83, 122-127.
- Brown, T., Stuart, S. (2005). Identifying basic needs: the contextual need assessment. *International Journal of Reality Therapy*, 24, 7-10.
- Burpee, L., & Langer, E. (2005). Mindfulness and marital satisfaction. *Journal of Adult Development*, 12(1), 43-51.
- Campbell, W. K., & Foster, C. A. (2002). Narcissism and commitment in romantic relationships: An investment model analysis. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28(4), 484-495.
- Caughlin, J. P., & Vangeesti, A. L. (2000). An individual difference explanation of why married couples engages in the demand/withdraw pattern of conflict. *Journal of Social and Personal Relationships*, 17(4), 523-551.
- Blötner, Ch., Steinmayr, R., & Bergold, S. (2021). Malicious mind readers? A meta-analysis on Machiavellianism and cognitive and affective empathy, *Personality and Individual Differences*, 181, 111023.
- Eidelson, R. J., & Epstein, N. (1982). Cognition and relationship maladjustment: Development of a measure of dysfunctional relationship beliefs. *Journal of consulting and clinical psychology*, 50(5), 715.
- Esmailpour, Kh., Khajeh, V., and Mahdavi, N. (2013). Predicting Couples' Marital Satisfaction Based on Relationship Beliefs and Relationship Skills, *Journal of Family Research*, 9(1), 29-44 [in Persian].
- Etamadi, O., Jabri, S., Jazayeri, R. S., & Ahmadi, S. A. (2013). Investigating the relationship between communication skills, communication patterns and conflict resolution styles with marital intimacy in Isfahan women, *Women and Society Scientific. Research Quarterly*, 5(17), 63-74 [in Persian].

- Ghasemzadeh, R., Mahmoudalilou, M., Bakhshipour roudsari, A., & Bayrami, M. (2023). The Relationship between brain-behavioral systems and cluster B personality disorders by mediating dark traits of personality. *Journal of Adolescent and Youth Psychological Studies*, 4(5), 158-168 [in Persian].
- Gottman, J., and Gottman, J. S. (2018). The science of couple and family therapy (behind the scenes of love laboratory). (Translation: Shahram Mohammad Khani, Elias Akbari, Morteza Fayazi) Tehran: Ibn Sina Publications.
- Gottman, J. M. (1993a). A theory of marital dissolution and stability. *Journal of Family Psychology*, 71(1), 57-75.
- He, Q., Wang, Y., Xing, Y., & Yu, Y. (2018). Dark Personality, interpersonal rejection, and marital stability of Chinese couples: AN actor – partner interdependence mediation model. *Personality & Individual Differences*, 134, 232-238.
- Groningen, A., Grawitch, M., Lavigne, K., Palmer, S. (2021). Every cloud has a silver lining: Narcissism's buffering impact on the relationship between the Dark Triad and well-being, *Personality and Individual Differences*, 171, 110549.
- Heavey, C.L., Christensen, A., & Malamuth, N.M. (1995). The longitudinal impact of demand and withdrawal during marital conflict. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 63, 797-801.
- Horan, S. M., Guinn, T. D., & Banghart, S. (2015). Understanding Relationships among the Dark Triad Personality Profile and Romantic Partners' Conflict Communication. *Communication Quarterly*, 63(2), 156-170.
- Hou, Y., Jiang F., & Wang, X. (2019). Marital commitment, communication and marital satisfaction: An analysis based on actor–partner interdependence model. *International Journal of Psychology*, 54(3), 369-376
- Jakobwitz, S., & Egan, V. (2006). The dark triad and normal personality traits. *Personality and Individual Differences*, 40(2), 331-339.
- Honar Parvaran, N., Qadiri, Z., & Qobadi, K. (2011). Comparison of communication patterns and marital conflicts in married women working in state banks and housewives in Shiraz. *Sociology of Women*, 2(3), 103-122 [in Persian].
- Hudek-Knezevic, J., Kardum, I., & Banov, K. (2023). The effects of the Dark Triad personality traits on health protective behaviours: dyadic approach on self-reports and partner-reports, *Psychology & Health*, 38(8), 987-1005.
- Johnson, M. D., Lavner, J. A., Barton, A. W., Stanley, S. M., & Rhoades, G. K. (2020). Trajectories of relationship confidence in intimate partnerships. *Journal of Family Psychology*, 34(1), 24–34.
- Javanmard, G. H., & Garegozlo, R. M. (2013). The study of relationship between marital satisfaction and personality characteristics in Iranian families. *Procedia-social and behavioral sciences*, 84, 396-399 [in Persian].
- Jonason, P. K., & Webster, G. D. (2010). The dirty dozen: A concise measure of the dark triad. *Psychological assessment*, 22(2), 420.
- Jonason, P. K., Luevano, V. X., & Adams, H. M. (2012). How the Dark Triad traits predict relationship choices. *Personality and Individual Differences*, 53(3), 180-184.
- Jones, D. N., & Paulhus, D. L. (2014). Introducing the short dark triad (SD3) a brief measure of dark personality traits. *Assessment*, 21(1), 28-41.

- Khodayarifard, M., & Sayad Shirazi, M. (2015). The Effectiveness of Cognitive behavior Family Therapy to the Narcissistic Disorder: A case study. *Psychology growth*, 4(10), 27-40 [in Persian].
- Kiyani Chalmardi, A., Shahbazi, N., Jahanbakhshi, Z., & Ahmadbookani, S. (2022). Developing a Model for Predicting Women's Marital Satisfaction based on Parental Intervention, Perception of Parents' Marriage, Adverse Childhood Experiences, Depression and Communication Patterns. *Journal of Family Research*, 18(2), 265-285 [in Persian].
- Lamkin, J., Campbell, W. K., & Miller, J. D. (2015). An exploration of the correlates of grandiose and vulnerable narcissism in romantic relationships: Homophily, partner characteristics, and dyadic adjustment. *Personality and Individual Differences*, 79, 166-171.
- McDonald, M. M., Donnellan, M. B., & Navarrete, C. D. (2012). A life history approach to understanding the Dark Triad. *Personality and Individual Differences*, 52(5), 601-605.
- Michels, M., & Schulze, R. (2021). Emotional intelligence and the dark triad: A meta-analysis. *Personality and Individual Differences*, 180, 110961.
- Mohammad Nazari, A., Sahibdel, H., & Asadi, M. (1389). Investigating the relationship between attachment styles and the degree of marital instability in married men and women. *Women and Family Studies*, 8(1), 17-39 [in Persian].
- Moltafet, H., Mohebi, M., Shahpari, D., and Hashemi, F. (2020). A Study of the Dynamics of Divorce in Iran in the Period 2005-2015. *Journal of Family Research*, 16(4), 547-568 [in Persian].
- Najarpourian, S., Fatehizadeh, M., Etemadi, O., Ghasemi, V., Abedi, M. R., & Bahrami, F. (2012). Personality types and marital satisfaction. *Interdisciplinary journal of contemporary research in business*, 4(5), 372-83 [in Persian].
- Narimani, M., Pour Ismaili, A., Mikaeli, N., & Hajlou, N. (2014). The mediating role of couples' interactional patterns in the relationship between lasting vulnerabilities and marital dissatisfaction of couples applying for divorce. *Journal of Family Psychology*, 2(2), 51-66 [in Persian].
- Noroozi, S., Reza khani, S. D., & Vakili, P. (2019). The causal relationship between time perspective and the marital instability based on the mediator role of communication patterns in married women and men. *Quarterly of Applied Psychology*, 13(3), 433-451 [in Persian].
- Nur Uysal, a. (2016). Predicting relationship satisfaction: dark triad personality traits, love attitudes, attachment dimensions. *T. C. Dogus university: istanbul*
- Pailing, A., Boon, J., & Egan, V. (2014). Personality, the Dark Triad and violence. *Personality and Individual Differences*, 67, 81-86.
- Paulhus, D. L. (2013). Dark triad of personality (D3-short). *Measurement instrument database for the social sciences*.
- Reyhani, R., Soleimianian, A. A., & Nazifi, M. (2015). Prediction of marital instability based on emotional regulation skills and identity styles. *Clinical Psychology and Counseling Research*, 6(1), 60-76 [in Persian].
- Rezaei, Z., Bustanipour, A., & Habibian, Fatemeh. (2012). Investigating the role of trust and intimacy in predicting marital instability in married men and women. *Counseling Research*, 12(47), 131-147 [in Persian].

- Sadegh Khani, M., Emamipour, S., & Mirhashemi, M. (2023). Comparison of the Effectiveness of Couple Therapy in the Way of Psychodrama and Integrative Behavioral Couple Therapy (IBCT) on Improving Conflict Resolution Tactics in Contradictory Couples. *aftj*, 4(2), 444-471 [in Persian].
- Sahebdel, H., Jamshidi, A., & Shakuri, Z. (2016). The relationship between communication beliefs and the degree of marital instability in married men and women. *Women and Family Studies*, 9(35), 65-78 [in Persian].
- Sanford, K. (2010). Assessing conflict communication in couples comparing the validity of self-report, partner-report, and observer ratings. *Journal of Family Psychology*, 24(2), 165-174.
- Shafiei, Z., & Qumrani, A. (2016). The role of dark personality and blossoming in couples' marital heartbreak. *Women and Society Scientific-Research Quarterly*, 8(1), 88-94.
- Tajmiriyahi, M., Najafi, M., Hamidizadeh, K., Doerfler, S., & Ickes, W. (2021). The Dark Triad of personality and ideal romantic partner preferences in Iran, *Personality and Individual Differences*, 168(1), 110281.
- Tong, W., Jia, J., Li, X., He, Q., Zhou, N., Lan, J., & Fang, X. (2021). Pathways among self-esteem, Marital Instability, and Depression: A Personality-Relationship Transactional Perspective. *Journal of Family Issues*, 42(9), 2046–2063.
- Trahair, C., Baran, L., Flakus, M., Marcin Kowalski, C., & Radosław. R. (2020). The structure of the Dark Triad traits: A network analysis, *Personality and Individual Differences*, 167, 110265.
- Willoughby, B. J. (2015). The role of marital beliefs as a component of positive relationship functioning. *Journal of Adult Development*, 22(2), 76-89.
- Yalcin, M. B., & Karahan, F. (2009). The effect of couple communication program on passive conflict tendency among married couples. *Department of Educational Sciences*, 55139 Kuruplit/ Samsun, Turkey, 845- 858 .
- Zamanian, P., Zadeh Mohammadi, A., & Panaghi, L. (2022). The relationship between gender role and marital instability: The role of moderating sexual orientation in men, *aftj*, 3(1), 115-117 [in Persian].
- Zhang, Q. (2007). Family communication patterns and conflict styles in Chinese parent-child relationships *Communication Quarterly*, 55(1), 113-128.